



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عناوین درسی

- ✓ مرکز آری بر ۱ - بین نگارش فارسی (1 جلسه)
- ✓ روش های جستجو در بانک های اطلاعاتی (2 جلسه)
- ✓ اخلاق علمی و مهندسی (2 جلسه)
- ✓ شیوه مقاله نویسی (5 جلسه)
- ✓ شیوه گزارش نویسی (1 جلسه)
- ✓ روش های ارائه شفاهی و سمینار (2 جلسه)
- ✓ مروری بر نرم افزارهای مهندسی مکانیک (1 جلسه)



یارم‌بندی درس

2

✓ تکلیف اول ، اصلاح متن

✓ تکلیف دوم: بررسی یک مقاله فارسی و انگلیسی

✓ نگارش مقاله: 4 نمره (به تمام اعضای گروه به صورت مساوی داده می شود)

✓ ارائه شفاهی مقاله: 3 نمره

✓ امتحان پایان ترم: 10 نمره (امتحان به صورت جزوه باز است)



آشنایی با آیین نگارش زبان فارسی

توجه: مطالب این ارائه از کتاب "آیین نگارش علمی" اقتباس گردیده است که توسط آقای دکتر عباس حری نوشته شده است.





ضرورت درس

3

سوال: شنایي بل بين نگارش فارسي چه کمکي به یک دانشجوي مهندسي مکانیک مي نمايد؟

براي پاسخ به این سوال بهتر است که نگاهی به متن زیرکه از يك کتاب درسي استاتیک گرفته شده است، داشته باشيم. يا ميتوانيد در این متن اشتباهي پيدا کنید؟

5



ضرورت درس

در فصل قبل تعادل جسم صلب و يا مجموعه‌اي از چند عضو متصل به هم را که در کل بتواند به صورت جسم صلب در نظر گرفته شود بررسی کردیم در حل مسائل ابتدا دیاگرام زاد جسم مورد نظر را که همه نیروهاي خارجي وارد بر آن را نشان مي دهد رسم مي کردیم و سپس معادلات تعادل نیروها و گشتاورها را به کار مي بردیم در این فصل به تعیین نیروهاي داخلي سازه يعني عمل و عکس العمل بين اعضاي آنها ميپردازيم. هر سازه مهندسي مجموعه اي از چند عضو متصل به هم است که براي نگهداري يا انتقال نیروها و براي تحمل مطنین بارهاي وارده ساخته میشود. در تحليل نيرويي سازه‌ها لازم است که اعضاي سازه را از هم جدا کنیم و دیاگرام زاد هریک از اعضا يا مجموعه اي از آنها را تحليل کنیم تا نیروهاي داخلي بدست يند.

در متن بالا چند ایراد نگارشی ميتوان پيدا کرد؟



ضرورت درس

در فصل قبل تعادل جسم صلب و یا مجموعه‌ای از چند عضو متصل به هم را که در کل بتواند به صورت جسم صلب در نظر گرفته شود بررسی کردیم. در حل مسائل ابتدا دیاگرام آزاد جسم مورد نظر را که همه نیروهای خارجی وارد بر آن را نشان می‌دهد رسم می‌کردیم و سپس معادلات تعادل نیروها و گشتاورها را به کار می‌بردیم. در این فصل به تعیین نیروهای داخلی سازه یعنی عمل و عکس العمل بین اعضای آنها می‌پردازیم. هر سازه مهندسی مجموعه‌ای از چند عضو متصل به هم است که برای نگهداری یا انتقال نیروها و برای تحمل مطمئن بارهای وارده ساخته میشود. در تحلیل نیرویی سازه‌ها لازم است که اعضای سازه را از هم جدا کنیم و دیاگرام آزاد هر یک از اعضا یا مجموعه‌ای از آنها را تحلیل کنیم تا نیروهای داخلی بدست آیند.



فهرست مطالب

- نقطه گذاری و سجاوندی
- نکاتی در مورد آیین نگارش فارسی



نقطه گذاری

5

نقطه گذاری به شکل جدید، گرچه در متون کهن فارسی سابقه ندارد، امروزه جزء جدایی ناپذیر نوشته های فارسی شده و چاره ای جز به کار بردن آنها نیست. در این بخش به کاربردهای علایم زیر پرداخته می شود:

- نقطه
- ویرگول
- نقطه ویرگول
- دو نقطه
- علامت سوال
- علامت تعجب
- گیومه
- خط فاصله کوتاه
- خط فاصله بلند
- کمانک (پرانتز)
- قلاب (کروشه)
- سه نقطه

9



سجاوندی (نقطه.)

معمولا از نقطه در کاربردهای زیر استفاده می شود:

(1) نقطه معمولا در انتهای جمله خبری و نیز در پایان جمله امری خفیف و پرسش غیر مستقیم قرار می گیرد؛ مانند:

انرژی کرنشی میله به دست می آید.
پار بحرانی را به دست آورید.
استاد پرسید کدام کمیت را باید تعیین کرد.

(2) پس از شماره های ترتیب در سر فصل های متن یا شماره های ارجاع در پانویس مانند:

1. خیز تیرها

10



سجاوندی (نقطه.)

6

از نقطه در موارد زیر استفاده نمی شود:

(1) هرگاه سیاهه ای از مطالب به صورت عمودی در پی هم بیاید، در انتهای هر ردیف از کلمات نقطه لازم نیست: مانند:

این توزیع ها عبارتند از:

توزیع نرمال

توزیع ویبول

توزیع لگاریتمی

(2) هرگاه ردیف ها شامل عبارت های طولانی یا جملات باشند در انتهای هر ردیف نقطه ویرگول می آید و تنها در انتهای آخرین ردیف نقطه گذاشته می شود؛ مانند:

زبری هایی که در تماس الاستیک بوده اند؛

زبری هایی که در تماس پلاستیک بوده اند؛

زبری هایی که اصلا در تماس نبوده اند.

(3) سر فصل های فرعی متن نیز هرگاه در سطری مستقل بیاید، نیاز به نقطه پایانی ندارد.

(4) ممیز در اعداد فارسی، "/" است نه ".".

11



سجاوندی (ویرگول،)

ویرگول کوتاهترین درنگ در تداوم اندیشه و ساختمان جمله را نشان می دهد، و اگر درست به کار رود بیش از هر نشانه دیگر سبب آسان خواندن و درک بهتر نوشته می شود. مواردی از کاربرد ویرگول عبارتند از:

(1) جمله اصلی را از جمله تابعی که معمولا با "و"، "اما"، "ولی"، "زیرا"، و امثال آن آغاز می شود جدا می سازد؛ مانند:

تکیه گاه های ثابت در حقیقت بر تمام سطح نیرو وارد می کنند، ولی این نیروها را می توان به یک سیستم نیرو-کوپل تبدیل نمود.

(2) پس از جمله قیدی که بر جمله اصلی مقدم باشد؛ مانند:

وقتی مشخص شد سازه چند درجه نامعین است، راه حل صحیح را انتخاب کنید.

(3) پس از عبارات و اصطلاحاتی نظیر: "برعکس"، "از سوی دیگر"، "در نتیجه"، "به علاوه"، "لیکن"، "با این همه"، "بدین ترتیب"، "به عبارت دیگر"، و امثال آن؛ مانند:

با این همه، پرسش دوم شما همچنان به قوت خود باقی است.

12



سجاوندی (ویرگول،)

7

4) هرگاه کلمات و عبارت های بالا در میان جمله قرار گیرند، دو سوی آنها ویرگول خواهد آمد؛ مانند:

پرسش دوم شما، به هر حال، به قوت خود باقی است.

5) برای جدا کردن سلسله ای از کلمات، عبارات، یا جملات همسنگ؛ مانند: برای گمیه گاه معانی علمی دورانه، رابط ها، بوس ها، و بین ها واکنش را در یکی از دو جهت می توان در نظر گرفت.

6) باید توجه داشت که پیش از آخرین عنصر از این سلسله، علاوه بر ویرگول، واو عطف نیز افزوده می شود.

7) برای جدا کردن عطف بیان، بدل، یا عبارات و جملات معترضه از جمله اصلی؛ مانند: مشخصات این روانکار، که سیالی نیوتونی است، در جدول زیر آمده است.

8) برای جدا کردن بخش خبری و بخش سوالی جمله؛ مانند:

روش دوم راه حل بهتری است، مگر نه؟

13



سجاوندی (ویرگول،)

9) بعد از عبارات خطابی در مکاتبات غیر رسمی؛ مانند:

نویسنده گرامی،

10) وقتی بیم آن برود که جمله غلط خوانده شود؛ مانند:

پس از خوردن، شیر چند خمیازه کشید و به خواب رفت.
از نظر کمانش، سازه به درستی طراحی شده بود.

11) وقتی عبارتی متعارض در میان جمله قرار گیرد؛ مانند:

اندیشه فرد، نه کلام او، شایان توجه است.
این راه، هرچند دشوار، تنها راه منطقی است.

14



سجاوندی (ویرگول،)

8

ویرگول را در موارد زیر نباید به کار برد
(1) پیش از حرف عطفی که دو خبر متعلق به یک مبتدا را از یکدیگر جدا می کند؛ مانند:

سازمان ها باید شبکه های مربوط به خود را طراحی کنند و به ارزیابی اطلاعات
بازیابی شده از آنها پردازند.

(2) وقتی اجزای یک جمله همگی با حرف عطف از یکدیگر جدا می شوند؛ مانند:

انواع تکیه گاه ها شامل غلتکی و لولایی و ثابت را باید مشخص کرد.

15



سجاوندی (گیومه " ")

گیومه برای نشان دادن سخن نقل شده یا متمایز کردن کلمه، عبارت یا جمله ای در نوشته بکار می رود و کاربرد آن بدین قرار است؛ مانند:
(1) برای مشخص کردن نقل قول مستقیم؛ مانند:

گفت: "من او را ندیده ام."

(2) برای متمایز کردن عنوان موضوع ها؛ مانند:

سخنرانی های همایش بیشتر در حوزه هایی چون "سازماندهی"، "اشاعه"، "فنون
گردآوری"، و امثال آن بود.

(3) برای نشان دادن عنوان شعرهای کوتاه، داستان های کوتاه، مقاله ها، فصول کتاب ها، ترانه ها، قطعه های کوتاه موسیقی، برنامه های رادیویی و تلویزیونی، مقاله های ارائه شده در همایش، و گزارش های علمی چاپ نشده؛ مانند:

"غبار برف" رابرت فراست
"لکه سیاه" فصل سوم کتاب جزیره گنج
برنامه رادیویی "راه شب"

16



سجاوندی (خط فاصله کوتاه-)

1) برای نشان دادن حد فاصل دو عدد (نظیر صفحات یک متن یا تاریخ ها)؛ مانند:

ص 125-127
سال 1346-1356

2) برای نشان دادن ترکیب میان دو کلمه یا اصطلاح؛ مانند:

اوضاع اقتصادی-اجتماعی
بیماری های جسمی-روحي

3) برای نشان دادن حد فاصل دو محل؛ مانند:

قطار تهران-مشهد

4) برای نشان دادن بریدگی کلمه در انتهای سطر؛ مانند:

.... منشی -
گری

17



سجاوندی (خط فاصله بلند —)

1) برای نشان دادن تغییر ناگهانی یا شکستن استمرار سخن در جمله، یا بیانی معترضه؛ مانند:

سرانجام نفت را به قرار بشکه ای دوازده دلار — که قیمت بالایی هم نبود — فروختند.

2) برای نشان دادن تکرار تأکیدی؛ مانند:

تصمیم داشت اشعار او — تمامی اشعار او — را حفظ کند.

توجه: هرگاه بیان معترضه به انتهای جمله ختم گردد، تنها از یک خط فاصله در آغاز آن استفاده می شود و خط فاصله انتهایی لازم نیست؛ مانند:

سرانجام به آن تصمیم راضی شد — تصمیمی که حتی برای توجیه خودش نیز دلایل کافی نداشت.



سجاوندی (کمانک (())

1) در دو سوی جملات یا عبارات معترضه و توضیحی؛ مانند:

امیدوار است (ما هم امیدواریم) که این بار موفق شود.
این ناشر (با 400 کارمند) یکی از بزرگترین ناشران است.

2) هرگاه بخواهیم عددی را هم با حرف و هم با عدد نشان دهیم؛ مانند:

مدعی است که میتواند کار را ظرف سی (30) روز تحویل دهد.

3) برای مشخص کردن منابعی که، به جای پانویس، به صورت درون متنی درج می شود؛
مانند:

قول او شبیه قول ابن خلدون (مقدمه، ج 1، ص 107) است.



سجاوندی (کمانک (())

در مورد کمانک توجه به نکات زیر ضروری است:

- پیش از کمانک هیچ گونه نقطه گذاری انجام نمی شود.
- هرگاه مطلب داخل کمانک و سایر مطالب همزمان به پایان برسند، نقطه پایانی بیرون کمانک گذاشته می شود.
- در پایان مطلب داخل کمانک تنها علامت سوال و تعجب را می توان به کار برد.



سجاوندی (کروشه [])

1) برای نشان دادن اطلاعات افزوده به نقل قول، به منظور رفع ابهام یا تکمیل ساخت نحوی جمله؛ مانند:

" او [حسن] نیز از حمله افرادی بود که در جنگ شرکت جست."
"نباید از آزادی [گریخت و] به اسارت تن داد".

2) به جای کمانک در داخل کمانکی دیگر؛ مانند:

این مطلب را از همان کتاب (فصل پنجم [یا بخش پنجم]) نقل کرده بود.



سجاوندی (سه نقطه...)

1) برای نشان دادن یک یا چند کلمه حذف شده؛ مانند:

... این نیروها قابل تحمل توسط جسم نبودند.
فرهنگ هایی چون لغتنامه، فرهنگ فارسی، برهان قاطع، و ... از این دسته اند.

2) هرگاه سه نقطه در پایان یک جمله قرار گیرد، نقطه پایانی نیز به آن افزوده می گردد؛ مانند:

نیروهای اعمالی توسط جسم... .



گیومه «»

12

- شکل گیومه در کشورهای مختلف ، متفاوت است:
- فرانسوی (بی گوشه) «»
- فرانسوی (با گوشه) << >>
- - لمانیک روی خط کرسی و دیگری پایین ا - ن ' ' , ,
- انگلیسی فرد (یکی و بالای خط کرسی) ' ,
- انگلیسی زوج (دو تا و بالای خط کرسی) ' , ,

در فارسی گیومه فرانسوی بی گوشه «» و گاهی هم گیومه انگلیسی زوج ، استفاده می شود: «اخلاق ناصری» ،
"اخلاق ناصری"



آیین نگارش

درباره آیین نگارش فارسی متون و منابع گوناگونی تهیه شده است و سازمان های انتشاراتی عمده، مراکز پژوهشی، دایره المعارف ها، و مجله های علمی هر یک شیوه نامه خاصی را تدوین کرده در اختیار مولفان و محققان می گذارند. شیوه نامه نگارشی که در ادامه به آن اشاره می گردد، منطبق بر شیوه نامه مندرج در کتاب «دستور خط فارسی» مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد.

اصل 15 قانون اساسی - زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد



آیین نگارش

13

رعایت فاصله‌گذاری:

فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌گردد.

در نوشته‌های فارسی دو نوع فاصله وجود دارد:

1- فاصله «برون کلمه» یعنی فاصله‌گذاری میان کلمه‌های یک جمله یا عبارت، مانند

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیبِ مراقبت فرو برده بود» **فاصله یک حرفی**

2- فاصله «درون کلمه» که معمولاً میان اجزای ترکیب و اغلب در حروف منفصل می‌گذارند: خردورزی، آزادمرد. **نیم‌فاصله**

25



آیین نگارش

1) گاهی ترکیب واحدی از تک واژه‌ها، با تکیه گفتاری متفاوت، دو گونه جدا می‌سازد؛ مانند:

او پیش رفت.
پیشرفت او سریع بود.
آنچه بود.
آن چه بود؟

2) در مصدرهای مرکب و گروه‌های فعلی، اصل بر جدانویسی اجزا قرار دارد؛ مانند:
به صدا در آوردن
به سر بردن

3) عبارت‌های عربی که وارد فارسی شده‌اند به صورت اصلی خود نوشته می‌شوند؛ مانند:

ان شاء الله
علی رغم
علی حده

26



آیین نگارش

14

4) «ه» در آخر کلمه های عربی، بستگی به تلفظ آن در فارسی دارد. اگر در فارسی «ت» خوانده شود به همان صورت و اگر «ه» خوانده شود به صورت «ه» نوشته می شود؛ مانند:

رحمت، زکات
علاقه، معاینه

5) همزه پایانی کلمه در حالت اضافه تبدیل به «ی» می شود؛ مانند:
املای، اجزای، اعضای

6) برای کلمات مختم به های غیرملفوظ، در حالت مضاف، از علامت «ء» استفاده می شود:
خانه من، نامه او

7) در واژه های فارسی از به کار بردن «ی» کوتاه شده که به غلط همزه تلقی می شود، پرهیز شود. به جای آن بهتر است از «ِ» استفاده شود؛ مانند:
آیین، آئینه، پاییز، روشنائی، پایین، روییدن

27



آیین نگارش

8) همزه میانی:

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسی «ا» نوشته می شود، مگر آنکه پس از آن مصوت «ای» و «او» و «-» باشد که در این صورت روی کرسی «ئ» نوشته می شود.
رأفت، مأنوس، شأن
رئیس، لثیم، مطمئن، رئوف

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می شود، مگر آنکه پس از آن مصوت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ئ» نوشته می شود.
رؤسا، مؤسسه، مؤذن
شئون، رئوس

ج) اگر حرف پیش از آن مفتوح یا ساکن و حرف پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت زیر نوشته می شود: مأخذ، قرآن، مرآت

در کلیه کلمات دیگر و در کلمات خارجی با کرسی «ئ» نوشته می شود.:

مسئول، مسئله، ناپلئون، ویدئو، کاکائو، هیئت
استثناء: توأم

28



آیین نگارش

15

9) به در موارد زیر پیوسته نوشته می‌شود:

1. هنگامی که بر سر فعل یا مصدر بیاید (بای زینت):
بگفتم، بروم، بنماید، بفرمود
2. هرگاه صفت بسازد:
بخرد، بنام، بهنجار

به در سایر موارد جدا نوشته می‌شود:
به برادرت گفتم، به‌سربردن، به‌آواز بلند، به‌سختی، منزل‌به‌منزل، به‌نام خدا

10) «و» میان دو کلمه (به صورت رابط) جدا نوشته می‌شود؛ مانند:
گفت‌وگو، جست‌وجو

11) «بی» همیشه از کلمه پس از خود جدا نوشته می‌شود، مگر آنکه کلمه بسیط‌گونه باشد، یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از معنای اجزای آن نباشد:
بی‌قرار، بی‌حال، بی‌حوصله
بیجا (به معنی گزافه و نامربوط)، بیهوده

29



آیین نگارش

12) «ها» علامت جمع جدا نوشته می‌شود:
دایره‌المعارف‌ها، گنجشک‌ها

13) «هم» همواره از کلمه پس از خود جدا نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

1. کلمه بسیط‌گونه باشد:
همشهری، همسایه، همچنان
2. جزء دوم تک‌هجایی باشد:
همدرس، همکار، همراه
3. جزء دوم با مصوت «آ» شروع شود:
همایش، هماهنگ، هم‌آورد

در صورتی که قبل از حرف «آ» همزه در تلفظ ظاهر شود، هم جدا نوشته می‌شود:
هم‌آرزو، هم‌آرمان
تبصره: هم، بر سر کلماتی که با «الف» یا «م» آغاز می‌شود، جدا نوشته می‌شود:
هم‌اسم، هم‌میهن، هم‌مسلك

30



آیین نگارش

16

14) «تر» و «ترین» جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شوند، مگر در:
بهتر، مهتر، کهتر، بیشتر، کمتر

15) «گذار» و «گزار» جدا نوشته می‌شود:
قانون گزار، مین گذاری، بنیان گزار

16) تنوین به آخر اسم‌های فارسی و غربی افزوده نمی‌شود؛ بنابراین ترکیب‌های زیر درست نیست:
ناچاراً، گاهاً

17) واژه‌های دارای هجای میانی «-وو-» با دو واو نوشته می‌شود:
طاووس، داوود

31



آیین نگارش

18) علامت جمع «ین» را تا حد امکان نباید در فارسی به کار برد:
محصلان به جای محصلین، مهندسان به جای مهندسین، معلولان به جای معلولین

19) قبل از ویرگول و نقطه در متن فاصله تایپ نمی‌شود اما بعد از آن‌ها فاصله منظور می‌گردد.

20) «که» جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود:
چنان که، آن که (=آن کسی که)
استثنا: اینکه، بلکه، آنکه

21) «چه» همواره به کلمه پیش از خود می‌چسبد:
آنچه، چنانچه، ماهیچه، کتابچه

22) «چه» جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:
چرا، چگونه، چقدر، چطور، چسان

32



آیین نگارش

17

(23) «را» جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در: چرا در معنای «برای چه؟» و در معنای «آری»، در پاسخ به پرسش منفی.

(24) «هیچ» جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود: هیچ‌یک، هیچ‌کدام، هیچ‌کس

(25) این، آن جدا از جزء و کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود: استثنا: آنچه، آنکه، اینکه، اینجا، آنجا

(26) می و همی همواره جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود: می‌شود، می‌رود، همی‌گوید

توجه: فرهنگستان زبان و ادب فارسی در خصوص جدانویسی و پیوسته‌نویسی قواعدی را تدوین نموده که در اینجا تنها به پاره‌ای از آنها اشاره گردید. جهت توضیحات بیشتر می‌توانید به این مرجع مراجعه فرمایید.

33



آیین نگارش

(27) یک پاراگراف در بردارنده موضوعی واحد است. تا قبل از تغییر موضوع، نباید پاراگراف جدید ایجاد کرد.

34



اسلایدهای مکمل

18



سجاوندی (نقطه ویرگول؛)

1) وقتی عناصر یک مجموعه با ویرگول از یکدیگر جدا می شوند، عناصر بزرگتر آن مجموعه را با نقطه ویرگول مشخص می سازند؛ مانند:

درصد مردودین به این ترتیب بود: کلاس الف، 9 درصد؛ کلاس ب، 3 درصد؛ و کلاس ج، 7 درصد.

2) وقتی اطلاعات کتاب شناختی چند منبع در پانویس به دنبال هم بیاید، حد فاصل هر منبع و منبع بعدی با نقطه ویرگول مشخص می شود؛ مانند:

ترابی، ص 52؛ اکبری، ص 101.



سجاوندی (دو نقطه):

19

1) برای نشان دادن عبارت یا جمله ای که معنای قسمت پیش از خود را گسترش میدهد، روشن می سازد، یا با مثال و نمونه تشریح می کند؛ مانند:

جمله ضعیفی بود: نه وحدت داشت و نه پیوستگی.
مردم در جستجوی دو چیزند: صلح و رفاه.

2) پس از اصطلاحات یا عباراتی که حاکی از شرح یا نقل قول باشد؛ مانند:

این چهار کشور عبارتند از: ایران، پاکستان، افغانستان، و ترکیه.
سپس چنین ادامه داد: "اگر حضور نمی یافتی، نمی دانستم باید چه کنم."

3) برای جداکردن عنوان اصلی از عنوان فرعی در اطلاعات کتابشناختی پانویس و فهرست مأخذ؛ مانند:

سخن و اندیشه: گزیده ای از آثار منظوم و منثور ادبیات سنتی و نو.

37



سجاوندی (علامت سوال؟)

1) در پایان جمله پرسشی مستقیم، خواه جمله اصلی باشد یا بخشی از جمله اصلی؛ مانند:

حاصل این تلاش ها چه بود؟
این که "اول مرغ بود یا تخم مرغ؟" سوال بی ربطی است.

2) در موارد تردید؛ مانند:

حکیم عمر خیام، شاعر و ریاضی دان ایرانی (؟-506)

38



سجاوندی (علامت تعجب!)

20

این علامت، گذشته از تعجب، برای سایر حالات شدید عاطفی نظیر دعا، التماس، زنجار، امر، نهی، تاکید، ندا، استهزا و امثال آن نیز به کار می رود؛ مانند:

چه هولناک!
مواظب باش!

39



آیین نگارش

نشانه همزه*

همزه میانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسی «ا» نوشته می شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت «ای» و «او» و «آ» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می شود:

راقت، تأتف، تلاق، مانوس، شان

رئیس، لثم، رئوف، منوت، مطمئن، مشمنز

تبصره: در کلمات عربی بر وزن «مُتَقَلِّیل» نظیر متأقر، متأخر، متألم که در تداول، اولین فتحه آنها به کسره تبدیل شده، همان صورت عربی آن ملاک قرار گرفته است.

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می شود، مگر آنکه پس از آن مصوّت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ی» نوشته می شود:

رؤیا، رؤسا، مؤتسه، مؤذن، مؤثر، مؤانست

شتون، رئوس

* گاهی، خصوصاً در خوشنویسی، در زیر همزه بابائی «ه» بدون اینکه به کلمه دیگری اضافه شده باشد، علامتی شبیه کسره می گذارند که صحیح نیست.

40



آیین نگارش

ج) اگر حرف پیش از آن مفتوح یا ساکن یا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت \bar{a} نوشته می‌شود:

ماخذ، لائل، قرآن، مرات

در بقیه موارد و در کلیه کلمات دخیل فرنگی با کرسی «ه» نوشته می‌شود:

لثام، رئالیست، قرائات، استثنائات، مسئول، مسئله، جرئت، هیئت، لئون، سول، تان، تون^۱ استثناء: توأم

همزه پایانی

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد (مانند همزه میانی ماقبل مفتوح)، روی کرسی «ا» نوشته می‌شود:

خلأ، ملا، مبدأ، منشأ، ملجأ

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد (مانند همزه میانی ماقبل مضموم)، روی کرسی «و» نوشته می‌شود:

لؤلؤ، تالو

ج) اگر حرف پیش از آن مکسور باشد، روی کرسی «ی» نوشته می‌شود:

متلاکون^۲

د) اگر حرف پیش از آن ساکن یا یکی از مصوتهای بلند «آ» و «او» و «ای» باشد، بدون کرسی نوشته می‌شود:

جزء، سوه، شی، ه، هله، بطی، سما، ماه، املاء، انشاء^۳

۱. کلمه هیدروژن گاهی هیدروژن نوشته می‌شود که صحیح نیست.

۲. کلمه منشی در اصل مشتق بوده است که در فارسی «ه» به «ی» بدل شده است.

۳. همزه پایانی بدون کرسی در کلمات انشاء، املاء، اعضاء، در فارسی، در اضافه به کلمه بعد از خود، غالباً حذف می‌شود و به جای آن «ی» می‌آید، مانند انشای خوب، اعضاء بدن، ولی حفظ همزه آن هم صحیح است: انشاء خوب، اعضاء بدن



آیین نگارش

تبصره ۱: کلماتی مانند انشاء، املاء، اعضاء در فارسی بدون همزه پایانی هم نوشته می‌شود که صحیح است.

تبصره ۲: هرگاه همزه پایانی ماقبل ساکن (بدون کرسی) یا همزه پایانی ماقبل مفتوح (با کرسی «ا») و یا همزه پایانی ماقبل مضموم (با کرسی «و») به یای وحدت یا نکره متصل شود، کرسی «ی» می‌گیرد و کرسی قبلی آن نیز حفظ می‌شود.

جزئی، شیئی، منشائی، لؤلؤئی

راهنمای کتابت همزه، در صفحات بعد، در جدول شماره ۳، ارائه شده است.